
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

حقوق بین الملل عمومی

«حقوق– علوم سیاسی و روابط بین الملل»

مولف: مریم سالاری

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

حمد و سپاس خداوند بزرگ را که بار دیگر توفیق آن داد که قدمی هر چند ناچیز در مسیر آگاه‌سازی بخشی از جامعه و توسعه دانش برداریم. به لطف و عنایت باریتعالی این مجموعه فراهم آمد تا در اختیار دوستداران علم و دانش و علاقمندان به رشته حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل قرار گیرد.

با توجه به اینکه مطالب این رشته بسیار وسیع و گسترده بوده سعی بر آن شده برای فراهم آوردن سازوکارهای مناسب و دستیابی مطلوب به مجموعه‌ای تلخیص‌شده و در عین حال جامع و بسیط از مجموعه کتب حقوق بین‌الملل فراهم گردد که دربرگیرنده دیدگاه‌های مختلف و شامل تمام موضوعات قابل بررسی در حوزه حقوق بین‌الملل و همچنین مجموعه‌ای از تست‌های تالیفی می‌باشد. تا زمینه‌ساز حضور موفقیت‌آمیز دانشجویان و داوطلبان شرکت در کنکور پر رقیب کارشناسی ارشد باشد. لذا با اطمینان می‌گوییم این یک مجموعه کاملی از نکات کلیدی تلخیص‌شده از کتب حقوق بین‌الملل به همراه سوالات تألیفی می‌باشد که سعی شده حتی‌المقدور صحیح طرح شده و دانشجو را از ابهام و پیچیدگی دور نگه دارد.

به نظر می‌رسد فراهم‌سازی این مجموعه بتواند مطالعه داوطلبان شرکت در آزمون‌های کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و دیگر رشته‌های مرتبط را که حقوق بین‌الملل عمومی یکی از مفاد اصلی آنها می‌باشد، تسریع و تسهیل کند.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و از تشویق‌ها و زحمات مادرم که همواره لطف بی‌دریغش شامل حال من بوده تشکر کرده و همچنین از مسئولان محترم انتشارات ارشد به لحاظ حسن توجه به گسترش و نشر دانش علوم سیاسی، حقوق و روابط بین‌الملل و خصوصاً چاپ کتاب حاضر تقدیر و تشکر کنم.

با سپاس

مریم سالاری

پاییز ۱۳۸۸

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: مفهوم حقوق بین‌الملل

بخش اول: تعریف حقوق بین‌الملل ۱۱
بخش دوم: مبنای الزام در حقوق بین‌الملل ۱۲
بخش سوم: خصوصیات حقوق بین‌الملل ۱۳
بخش چهارم: ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل ۱۴
بخش اول- نظریات مختلف درباره ارتباط حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ۱۴
بخش دوم ۱۷
بخش سوم: ارتباطات متقابل حقوق داخلی با حقوق بین‌المللی ۱۷
تست‌های آخر فصل ۲۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۳

فصل دوم: مبانی حقوق بین‌الملل

بخش اول- مکتب حقوق طبیعی یا فطری ۲۷
بخش دوم: مکتب حقوق وضعی یا اصالت اراده ۲۸
بخش سوم- مکتب حقوق موضوعی (مکتب اصالت اعیان) ۲۸
تست‌های آخر فصل ۳۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۲

فصل سوم: منابع حقوق بین‌المللی

بخش اول: معاهدات بین‌المللی ۳۹
۱- معاهدات بین‌المللی خصوصیات و شرایط زیر را در برمی‌گیرد: ۳۶
۲- عناوین مختلف معاهدات ۳۶
۳- تفاوت میان معاهده و موافقت‌نامه ۳۷
متن یک معاهده در دو صورت دارای اعتبار قطعی می‌شود: ۳۹
ب) معاهدات خارج از شمول تصویب ۳۹
پ) ارادی بودن تصویب ۴۰
ت) مقام صلاحیتدار تصویب ۴۰
ت) تصویب ناقص یا بی‌قاعده ۴۱
ه) حق شرط در معاهدات ۴۱
نظام حقوق حق شرط ۴۲
زمان اعلام حق شرط ۴۲
تفاوت حق شرط با اعلامیه تفسیری ۴۳
اصول حاکم بر تفسیر معاهدات بین‌المللی ۴۵
ه- اختتام معاهدات ۴۶
س- فسخ معاهدات ۴۷
بخش دوم: عرف بین‌المللی ۵۰

عنوان **صفحه**

انواع عرف ۵۱
بخش سوم: اصول کلی حقوقی ۵۱
بخش چهارم: تصمیمات یا رویه قضائی بین‌المللی ۵۲
بخش پنجم: اصل انصاف ۵۲
بخش ششم: اعمال حقوقی یک جانبه ۵۲
بخش هفتم: قواعد آمره بین‌المللی ۵۳
تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی ۵۴
تست‌های آخر فصل ۵۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۶۱

فصل چهارم: تابعین حقوق بین‌الملل

بخش اول: کشورها ۶۵
اعضای اجتماع ملتها: ۶۹
اجتماعات در حال جنگ و شورشیان ۷۴
آثار حقوقی جانشینی دولت‌ها ۷۸
بخش دوم: سازمان های بین‌المللی ۸۱
قسمت اول: سازمان‌های بین‌المللی دولتی ۸۲
۳- ارکان اصلی سازمان ملل متحد ۸۳
بخش سوم: افراد ۸۷
۱- حمایت عام از حقوق بشر ۸۷
۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۸۸
۳- نهادهای جهانی حقوق بشر ۹۱
۴- حمایت منطقه‌ای از حقوق بشر ۹۲
۵- مسئولیت کیفری فرد در حقوق بین‌الملل ۹۳
الف- جنایات بین‌المللی و انواع آن ۹۳
انواع جنایات بین‌المللی ۹۳
ج- جنایات جنگی ۹۴
بخش چهارم: سایر تابعین حقوق بین‌الملل ۹۵
کشورهای دارای اشکال خاص ۹۵
تست‌های آخر فصل ۹۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۰۱

فصل پنجم: قلمرو دریایی: حقوق دریاها

بخش اول: کلیات ۱۰۵
بخش دوم: نحوه تحدید حدود مناطق دریایی ۱۰۶
بخش سوم: مناطق مختلف دریایی ۱۰۸
قسمت سوم: دریای سرزمینی ۱۱۴
قسمت پنجم: منطقه انحصاری اقتصادی ۱۲۱

عنوان **صفحه**

قسمت ششم: فلات قاره ۱۲۳
قسمت هفتم: دریای آزاد ۱۲۵
قسمت هشتم: منطقه میراث مشترک بشریت ۱۳۱
قسمت نهم- آبراه‌های بین‌المللی ۱۳۴
قسمت دهم- تنگه‌های بین‌المللی ۱۳۵
قسمت یازدهم: کانال‌های بین‌المللی ۱۳۷
تست‌های آخر فصل ۱۳۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۴۶

فصل ششم: قلمرو هوایی: حقوق هوایی و فضایی

بخش اول ۱۵۱
بخش دوم: کنوانسیون‌های هواپیمایی بین‌المللی کشوری و موافقت‌نامه‌های الحاقی آن ۱۵۳
بخش سوم: کنوانسیون امنیتی هواپیمایی ۱۵۵
بخش چهارم: حقوق بین‌المللی قضایی ۱۵۵
تست‌های آخر فصل ۱۵۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۶۳

فصل هفتم: مسئولیت بین‌المللی

بخش اول- ملاحظات کلی ۱۶۷
بخش دوم- مبنا و منشأ مسئولیت بین‌المللی ۱۶۸
بخش سوم- موارد اجرا و انطباق مسئولیت بین‌المللی ۱۷۰
بخش چهارم- عوامل از بین بردن مسئولیت بین‌المللی ۱۷۳
بخش پنجم- برعهده‌گرفتن مسئولیت بین‌المللی ۱۷۴
بخش ششم- آثار مسئولیت بین‌المللی ۱۷۵
تست‌های آخر فصل ۱۷۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۸۲

فصل هشتم: حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات

بخش اول- منابع مربوط به روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات ۱۸۵
بخش دوم- مفهوم و ماهیت اختلاف بین‌المللی ۱۸۶
بخش سوم- روش‌های حل اختلافات بین‌المللی ۱۸۶
بخش چهارم- داوری بین‌المللی ۱۹۷
تستهای آخر فصل ۲۰۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۰۳

فصل نهم: حقوق دیپلماتیک و کنسولی

بخش اول- حقوق دیپلماتیک ۲۰۷
بخش دوم- چگونگی روابط دیپلماتیک ۲۰۸
بخش سوم- نقش و وظایف مأموران دیپلماتیک ۲۰۹
بخش چهارم- مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک ۲۱۰
بخش پنجم: خاتمه مأموریت دیپلماتیک ۲۱۴
بخش ششم- حقوق کنسولی ۲۱۵

عنوان **صفحه**

تست‌های آخر فصل ۲۱۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۲۱

فصل دهم: کشمکش‌های مسلحانه

بخش اول- به کارگیری زور (توسل به زور) ۲۲۵
بخش دوم- مداخله ۲۲۸
بخش سوم- حقوق جنگ ۲۲۹
بخش چهارم: جنگ نوین ۲۳۰
بخش پنجم: قواعد جنگ ۲۳۲
بخش ششم- اشغال جنگی ۲۳۴
بخش هفتم- جنایات جنگی ۲۳۷
تست‌های آخر فصل ۲۴۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۴۳
منابع و مآخذ ۲۴۴

فصل اول

مفهوم حقوق بین‌الملل

عناوین اصلی

- بخش اول: تعریف حقوق بین‌الملل
- بخش دوم: مبنای الزام در حقوق بین‌الملل
- بخش سوم: خصوصیات حقوق بین‌الملل
- بخش چهارم: ممانعت اجراء در حقوق بین‌الملل
- بخش پنجم: حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی
- بخش ششم: سیر تحول حقوق بین‌الملل

فصل اول

مفهوم حقوق بین‌الملل

بخش اول: تعریف حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل، مجموعه اصول، عرفها و قواعدی است که در قالب تعهداتی الزام‌آور از سوی دولت‌های حاکم و اشخاص بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و اعضای جامعه بین‌المللی، خود را ملزم به رعایت آنها دانسته و در روابط با یکدیگر اجرا می‌کنند.

۱- حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی: میان حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌الملل یک ارتباط متقابل جامعه‌شناختی وجود دارد. منافع مشترک و نیازهای متقابل کشورها مبنای همکاری و همبستگی جامعه بین‌المللی را شکل داده و اصول و مقررات حقوق بین‌الملل بر آن حاکم شده و به آن نظم بخشیده است.

۲- حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی: منظور، نهادهای حقوق بین‌المللی است که مجموعه‌ای از اجتماعات جمعی و قواعد تاسیسی هستندکه مجموعه حقوق بین‌الملل اساس شکل‌گیری آنها بوده است. که از جمله آنها می‌توان به کشورها، سازمانهای بین‌الملل، معاهدات بین‌المللی، داوری بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری، مسئولیت بین‌المللی و شناسایی اشاره کرد.

۳- حقوق بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی: حقوق سازمانهای بین‌المللی از یک سو قواعد حاکم بر سازمانهای بین‌المللی را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر شامل مجموعه تصمیماتی است که سازمانهای بین‌المللی مطابق اساسنامه‌های خود اخذ می‌کنند.

۴- موضوعات حقوق بین‌الملل: موضوع حقوق یعنی شخصی که هم واضع قواعد حقوقی و هم دریافت‌کننده آن قواعد است. (تابع حقوق) تابعان حقوقی امروزه در حقوق بین‌الملل ابتدا کشورها و دوم سازمان‌های بین‌المللی دولتی هستند.

۵- حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل: حقوق بین‌الملل محصول روابط بین‌الملل است که پس از شکل‌گیری، نظم حقوقی خود را بر روابط بین‌الملل حاکم می‌کند. روابط بین‌الملل به دو صورت دوستانه وخصمانه تقسیم می‌شود که امروزه با توجه به اصل عدم توسل به زور و تحریم جنگ، روابط دوستانه مبنا قرار گرفته و استثناء، روابط خصمانه گردیده است که جنگ آشکارترین نوع روابط خصمانه است.

۶- حقوق بین‌الملل و سیاست: اگرچه سیاست بین‌الملل در ارتباط مستقیم با تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های حکومتی است و این تصمیم‌گیری‌ها و خط مشی‌های حکومتی دائما در حال تغییر است اما صرف این تغییرات نمی‌تواند قواعد حقوق بین‌الملل را تغییر دهد. در واقع باید گفت که اصل دوام کشورها، مؤید اصل پایداری تعهدات بین‌المللی کشورهاست.

۷- حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی:

۷-۱- حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی در بین‌المللی بودن- منابع و مرجع رسیدگی اشتراک دارند.

۷-۲- **وجوه تفاوت:** اولین تفاوت درموضوع می باشد در حالی که حقوق بین‌الملل عمومی، روابط میان کشورها و سازمانهای بین‌المللی را نظم می‌بخشد. حقوق بین‌الملل خصوصی ناظم روابط میان اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌باشد. اختلاف دیگر به منابع نمود پیدا می‌کند حقوق بین‌الملل عمومی برخلاف منابع حقوق بین‌الملل خصوصی که بخشی از آن در زمره منابع حقوقی داخلی است، منابع جداگانه خود را دارد. از طرف دیگر مبانی متون بین‌الملل خصوصی آزاده یک کشور، مبانی حقوق بین‌الملل عمومی حداقل اراده دو کشور یا تابع حقوق بین‌الملل می‌باشد. مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی مراجع قضائی داخلی است در حالی که مرجع صالح رسیدگی به اختلافات ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی معمولا مراجع حقوقی بین‌المللی می‌باشد. اما اختلاف دیگر در ممانعت اجراست ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل عمومی ناکافی و غیرمستقیم است اما ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل خصوصی مستقیم کلی است.

ب- طبقه‌بندی حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل از نظر کلسن حقوقدان اتریشی به دو دسته ۱- حقوق بین‌الملل عام ۲- حقوق بین‌الملل خاص تقسیم می‌شود. حقوق بین‌الملل عام مجموعه اصولی است که بر کلیه روابط اعضای جامعه بین‌المللی حاکم است در حالی که حقوق بین‌الملل خاص، قواعدی را در برمی‌گیرد که صرفا بین دو یا چند کشور اعمال می‌شود. اما اپنهایم حقوقدان انگلیسی در ادامه این نظریه، حقوق بین‌الملل را به سه قسمت تقسیم می‌کند ۱) حقوق بین‌الملل جهانی ۲) حقوق بین‌الملل عام ۳) حقوق بین‌الملل خاص

۱- حقوق بین‌الملل جهانی: مجموعه قواعدی الزام آور و جهانشمول برای کلیه دولت‌هاست که از مجموعه این قواعد می‌توان به اصل تمامیت ارضی کشورها منع کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید) منع بردگی و ..... اشاره کرد.

۲- حقوق بین‌الملل عام: شامل مجموعه قواعدی الزام آور برای تعداد بسیاری از دولتهاست که به دلیل مقبولیت جهانی به قواعد جهانی تبدیل شده‌اند.

۳- حقوق بین‌الملل خاص: مجموعه قواعدی الزام آور برای دو یا تعداد محدودی از دولتهاست که هرچند جنبه جهانی ندارد اما نباید مغایر با قواعد جهانی باشد.

بخش دوم: مبنای الزام در حقوق بین‌الملل

در اینکه دولتها علی‌رغم تخلفاتی اتفاقی، قواعد حقوق بین‌الملل را رعایت می‌کنند دلایلی مطرح می‌شود که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **رضایت و اطاعت:** طرفداران این مکتب حقوق موضوعه یا اثباتی، مبنای حقوق بین‌الملل را رضایت می‌دانند به عقیده آنان دولتها به علت مزایای ناشی از همکاری به طرز داوطلبانه اراده خود را محدود می‌کنند. از جمله طرفداران این مکتب را می‌توان آنزیلوتی قاضی پیشین دادگاه بین‌المللی نام برد

۲- **انگیزه اطاعت:** بخش مربوط به انگیزه اطاعت بر این فرض تاکید می‌کند که تنها انگیزه واقعی اطاعت از قواعد حقوقی بین‌المللی، ترس از به کارگیری زور از سوی برخی قدرتمندترهاست

۳- نفع شخصی روشن: این عامل در میان عوامل غیر حقوقی که به حفظ هنجارهای حقوقی کمک می‌کند مهم‌ترین عامل است. نگرشی که در آن خطر شکست خوردن در یک تصمیم را به دلیل عدم اطاعت از این قوانین می‌تواند به خوبی با مزایای متعلق به یک شخص و همه آنهایی که در جامعه جهانی با پیروی از این اصول زندگی می‌کنند مقایسه کند و با در نظر گرفتن منابع شخصی آشکار ناشی از این پیروی، خود را ملزم به رعایت این قوانین کند

۴-**ضرورت:** برای حفظ ارتباطات متقابل بین‌المللی در وضعیتی با ثبات، رعایت قواعد شناخته شده بین‌المللی برای دولتها الزام‌آور و ضروری است

۵- **عادت:** پذیرش مبتنی بر عادت به قانون به عنوان یکی از انگیره‌های رعایت حقوق بین‌الملل مطرح می‌شود.

۶- **اعتبار:** رعایت اصول و قوانین بین‌الملل موجب افزایش اعتبار کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌شود.

۷- **افکار جهانی:** در تشویق دولتها به اطاعت از قواعد حقوق بین‌الملل اهمیت دارد

۸- **تصویب اجتماعی و هزینه‌ها:** یکی از انگیزه‌های واقعی اطاعت از قوانین ناشی از میل به تصویب اجتماعی است که در اجتماعی وسیع‌تر از افراد، خصوصا دولت نمودی آشکار دارد.

۹- **زیانهای مصلحت‌آمیز:** این عامل به عنوان یکی از مهمترین انگیزه‌های اطاعت از قوانین بین‌الملل مطرح است که مهمترین آنهاست و این امر ناشی از مزایای انکار ناپذیر در پیگیری سیاست‌های بین‌المللی مطابق با قوانین و اصول متعارف در مقابل مرزهای ناشی از اقدامات خودسرانه و از دست دادن همکاری‌های آتی است.

بخش ششم: خصوصیات حقوق بین‌الملل

اصطلاح حقوق بین‌الملل در عصر روم باستان به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شد که در عین حال که مربوط به روابط میان کشورها در زمینه‌های خصوصی و عمومی بود، بیگانگان و غیر شهروندان را نیز در بر می‌گرفت. این مقررات برای تنظیم روابط با سایر کشورها و اتباع بیگانه از سوی امپراطوری روم وضع شده و حقوق ملی روم بود. از نظر تاریخی، برای اولین بار، حقوقدان هلندی گروسیوس در قرن هفدهم درکتاب خود به نام « حقوق جنگ و صلح» قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را شرح داده است. اما امانوئل کانت فیلسوف آلمانی، که معتقد بود جامعه بین‌المللی مرکب از کشورهای مختلف جهان است و روابط فقط میان کشورهاست این حقوق را «حقوق بین‌الدول» یا «حقوق میان کشوری» نامید. هگل، این حقوق را حقوق عمومی خارجی» نامید ولی اصطلاح حقوق بین‌الملل به شکل امروزه برای اولین بار توسط جرمی بنتام فیلسوف و حقوقدان انگلیسی درسال ۱۷۸۰ در کتاب خود موسوم به مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون» آورده شد.

اما میان حقوقدانان در تعریف حقوق بین‌الملل اختلاف نظر فراوانی وجود دارد که این تعاریف بر اساس دیدگاه آنان به ۳ دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱- گروه اول معتقدند که حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد حاکم بر «روابط میان دولتها است که از طرفداران این دیدگاه می توان به تری پل، آنزیلوتی، اوپنهایم و برایرلی اشاره کرد.

۲- گروه دوم معتقدند که قواعد حقوق بین‌الملل باید با تاکید بر نیازها و ضروریات اجتماعی افراد در جامعه بین‌المللی تنظیم و تدوین شود از حامیان این نظریه که جزء طرفداران مکتب جامعه‌شناسی حقوق هستند و تنها افراد را تابعین حقوق بین‌الملل دانسته می‌توان از لئون دوگی و ژرژسل یاد کرد.

۳- گروه سوم دولتها را تابعین اصلی حقوق بین‌الملل می داند اما در کنار آنها موجودیت‌های دیگری همچون سازمان‌های بین‌المللی و افراد نیز وجود دارند. طرفداران این نظریه، فیور، کلسن، کاواره و شارل روسو هستند.

اما حقوق بین‌الملل به این دلیل که قواعد تشکیل دهنده آن پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بین‌الملل نبوده و متناسباً تحول این نیازها توسعه نیافته، ابتدایی و ناقص است و این امر موجب شده که نتوانند اهداف از پیش تعیین شده خود یعنی حفظ صلح و امنیت و همچنین همکاری بین‌المللی را محقق سازد.

از جمله دلایل ضعف مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عدم وجود نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی مناسب در سطح جامعه بین‌الملل که موجب شده که حقوق بین‌الملل نتواند خود را با توجه به تحولات جامعه بین‌المللی و نیازهای آن همراه کند.

۲- عدم هماهنگی قواعد بین‌المللی و قواعد داخلی مانع از پذیرش کامل قواعد بین‌المللی از سوی دولتها می شود.

۳- وجود خلاءهای بسیار مهم در قواعد حقوق بین‌الملل موجب ضعف این مجموعه قواعد حقوقی شده است.

بخش چهارم: ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل

نواقص زیادی از حیث ضمانت اجراء پیرامون حقوق بین‌الملل وجود دارد که این امر به دلیل عدم وجود قدرت فراکشوری در سطح نظام بین‌الملل می‌باشد. اما امروزه عوامل موثری وجود دارد که اجرای حقوق بین‌الملل را تا حدود قابل ملاحظه‌ای تضمین می‌کنند از جمله این عوامل عبارتند از:

۱- شناسایی حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی کشورها

۲- منافع مشترک و متقابل

۳- ضمانت اجراهای بین‌المللی، شامل: ضمانت اجرای کیفری، ضمانت اجرای مالی و مادی (مانند پرداخت قرامت) ضمانت اجرای اخلاقی (مانند غذرخواهی متخلف از قربانی) ضمانت اجرای اقتصادی(مانند تحریم یا محاصره اقتصادی، ضمانت اجرای دیپلماتیک (قطع یا کاهش سطح روابط دیپلماتیک و کنسولی)، ضمانت اجرای سیاسی (انتشار اسناد حاکی از نقض حقوق بین‌الملل)، افکار عمومی جهانی، اقدامات متقابل (مانند دفاع مشروع و اقدامات تلافی جویانه)

۴- ضمانت اجراء در نظام منشور ملل متحد، شامل تدابیر انضباطی مانند اخراج یا تعلیق عضویت کشور متخلف، تدابیر توصیه‌ای (مصوبات مجمع عمومی) تدابیر الزام‌آور (قطعنامه‌های شورای امنیت برحسب فصل هفتم منشور ملل متحد)

۵- پرهیز از تنش: باید گفت که مهم‌ترین ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل منافع متقابل کشورهاست.

بخش پنجم: حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی

حقوق داخلی از نقش ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل برخوردار است اما با در نظر گرفتن ارتباطات متقابل حقوق بین‌الملل داخلی با یکدیگر هیچ کشوری نمی‌تواند در توجیه نقض حقوق بین‌الملل به وجد یا عدم وجود مقررات خاصی در ساختار حقوق داخلی‌اش استناد کند.

- نظریات مختلف درباره ارتباط حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی

ارتباط متقابل بین‌الملل با حقوق داخلی از جمله مسائل در هم تنیده‌ای است که موضوع مناسبات بستگی مستقیم به مساله مبانی حقوق بین‌الملل دارد.

الف- **نظریه دوگانگی حقوق (دوآلیسم)**: طرفداران نظریه حقوق ارادی با در مرکز قرار دادن اصل حاکمیت ملی و اصل ازادی اراده کشورها در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل در نظام حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی را کاملا از هم تفکیک کرده و معتقدند که هر یک دارای ماهیت جداگانه می‌باشد. لذا طرفداران این نظریه دولتها را ملزم به اجرای قواعد بین‌المللی نمی‌دانند مگر آنکه به صورت اختیاری این قواعد را در قوانین حقوق داخلی خود وارد کرده باشند. طرفداران نظریه دوآلیسم

دلایلی را جهت اثبات عقیده خود و تجزیه و تحلیل موارد اختلاف میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مطرح می‌کنند که عبارت است از:

۱- **از حیث مبانی:** یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مبانی شکل‌گیری قلمرو این حقوق است درحالی که قواعد حقوق داخلی از اراده یک جانبه یک کشور ناشی می‌شود قواعد حقوق بین‌الملل از اراده مشترک چندین کشور حاصل می‌شود.

۲- **از نظر منابع**: درحالی که منابع اصلی حقوق داخلی، قوانین تنظیم شده و عرف رایج میان مردم یک جامعه است منابع اصلی حقوق بین‌الملل را معاهدات بین‌المللی و عرف پذیرفته شده میان کشورها تشکیل می‌دهد.

۳- **از نظر حوزه قلمرو اجرایی قواعد حقوقی:** قواعد حقوق داخلی تنها در محدوده قلمرو یک کشور قابلیت اجرا داد و در حالی که قواعد حقوق بین‌الملل در سطح نظام بین‌الملل و در میان کشورهای مختلف قابل اجراست.

۴- **از حیث ساختار و تشکیلات**: تفاوت فاحشی میان جامعه بین‌الملل با جامعه داخلی وجود دارد سطح جامعه بین‌المللی نبود سازمان اقتدار عالیه و قوای مقننه و قضائیه و مجریه منجر به جدایی کامل جامعه بین‌الملل از جامعه داخلی شده‌اند از قواعد حاکم بر این دو جامعه تفاوت زیادی دارد.

۵- **از حیث تابعین حقوق:** در حقوق داخلی، افراد هستند که موضوع حق وتکلیف واقع می‌شوند ولی در حقوق بین‌الملل عمده‌ترین تابعان حقوق بین‌الملل ، به جز در برخی موارد که افراد تابع قواعد آن می‌شوند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند.

۶- **از نظر صحت قواعد و اعتبار:** وابستگی متقابل میان قواعد حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل وجود ندارد بنابراین اگر میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مغایرتی وجود داشته باشد، هر یک از آن قواعد مغادیر به اعتبار خود باقی خواهند ماند و تاثیری در یکدیگر ندارند.

۷- از حیث قدرت اجرایی و ممانعت اجرایی: در سطح بین‌المللی ضمانت‌های اجرایی موثری برای قوانین بین‌المللی وجود ندارد و برای اینکه یک قاعده حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی یک کشور اثرگذار باشد باید مطابق قواعد حقوق داخلی مورد پذیرش قرار گیرد. این عمل را احاله یا « احاله همراه با پذیرش» می‌گویند به این معنی که حقوق بین‌الملل به دیگری یعنی حقوق داخلی محول شده و از سوی حقوق داخلی مورد پذیرش قرار گرفته است.

ب- نظریه یگانگی حقوق (مونیسم): بر طبق این نظریه، نظام هنجاری حقوق، براساس تبعیت قرار گرفته در نتیجه با تاکید بر اصل تبعیت به وجود سلسله مراتب حقوق قائل است که کلیه هنجارهای حقوق از یکدیگر تبعیت می‌کنند. این نظریه قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را از یکدیگر تفکیک نمی‌کند. نظریه یگانگی حقوق برای اولین بار از سوی کلسن به شکلی علمی مورد بررسی قرار گرفت. اما میان طرفداران نظریه مونیسم در مورد نحوه ارتباط حقوق داخلی با حقوق بین‌الملل اختلاف نظر فراوانی وجود دارد برخی مانند دوگی، پولیش، ژرژسل و کلسن، حقوق بین‌الملل را بر حقوق داخلی ارجع می‌دانند و بعضی دیگر همچون کوفمن و ماکس و نزل، بر برتری حقوق داخلی تاکید می‌کنند.

دلایل نظریه‌های فوق برای اثبات رویکردهایشان عبارت است از:

دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوقی با تقدم حقوق بین‌الملل

۱- پیروان این نظریه معتقدند که در یک فرایند حقوق مبتنی بر سلسله مراتب حقوق بین‌الملل جایگاهی بالاتر از حقوق داخلی دارد لذا حقوق داخلی باید تابع حقوق بین‌الملل باشد به نظریه طرفداران این نظریه دلایل برتری حقوق بین‌الملل عبارت است از:

۱- از جنبه اهداف: قواعد حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بر اساس اهداف مشترکی شکل گرفته است و آن رفع نیازهای بشر و تامین سعادت انسان است بنابراین با نظر گرفتن کلیت جامعه اساس می‌توان گفت سعادت کل بشریت بر سعادت تک تک انسانها ارجحیت دارد.

۲- از نظر ارزیابی: نظریه مسئولیت بین‌المللی کشورها بر این اصل تکیه دارد که مقررات حقوق داخلی کشورها توسط حقوق بین‌الملل ارزیابی می‌شود درصورتی که کشوری دست به یک عمل غیر مشروع خسارت بار بزند نمی‌تواند برای فرار از مسئولیت، قانون عادی داخلی خود را دستاویز این عمل قرار دهد.

۳- ار نظر مشخص سازی محدوده مرزی: قوانین حقوق بین‌الملل با تحدید حاکمیت کشورها، حدود صلاحیت آنها را مشخص می‌کند مانند تعیین مرز سیاسی کشورها

۴- از حیث مسئولیت بین‌المللی دولتها: با در نظر گرفتن ارجح‌بودن نیازهای جامعه بشری بر نیازها و مقتضیات جامعه داخلی لذا قوانین حقوق بین‌الملل باید بر حقوق داخلی اولویت داشته باشد.

۵- حقوق بین‌الملل کشورها را صاحب عنوان « کشور» می‌کند

۶- علی‌رغم فقدان قوه اجرائیه در سطح نظام بین‌الملل این خود کشورها هستند که موجب اعتبار و ارزش قوانین حقوق بین‌الملل می‌شوند.

۷- قوانین حقوق بین‌الملل قواعد مشخصی را مبنی بر ایجاد یا انحلال کشور دارد و موقع بحرانهای داخلی حیات کشور را تضمین می‌کند.

دلایل پیروان نظریه یگانگی حقوق با تقدم حقوق داخلی:

علی‌رغم هواداری برخی از حقوقدانان از نظریه یگانگی حقوق به دلیل برتری حقوق بین‌الملل حاکمیت ملی کشورها را زیر سوال می‌برد و سوسیالیست‌ها از طرفداران این نظریه بودند:

دلایل:

۱- **از جنبه تاریخی:** از نظر تاریخی، ابتدا کشورها ایجاد شدند و قواعدی در آنها تعیین شد و به تدریج به تکامل رسید اما حقوق بین‌الملل در مراحل اولیه شکل‌گیری است.

۲- از حیث ساختاری: در فقدان یک سازمان و اقتدار فراتر از کشورها در محیط بین‌الملل، کشورها در رعایت و پذیرش قوانین و تعهدات بین‌المللی خود آزادانه و اختیاری عمل می‌کنند. لذا این اختیاری بودن تعهد منجر، برتری حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل شده است.

۳- **از حیث منطقی:** در ابتدا کشورها وجود داشتند و به دنبال آن روابط حقوق و توسعه آن میان کشورها اتفاق افتاده است.

۴- برتری قانون اساسی بر تهدات بین‌المللی: قانون اساسی هر کشوری، مقامات صلاحیتدار برای انعقاد معاهدات را تعیین کرده و همین امر کشور را در عرصه بین‌المللی متعهد می‌سازد.

ج- نظریه معاصر

از جمله کسانی که این نظریه را مطرح کرده است ملکم‌شاو، حقوقدان انگلیسی می‌باشد. این نظریه قائل به برتری نظام حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل و یا برعکس نیست و معتقد به اصل بودن هر نظام در حوزه قلمرو خود می‌باشد لذا در صدد است که رهیافتی مناسب و منطبق با واقعیت ارائه کند. این نظریه مطرح می‌کند در صورت عدم رعایت یک قاعده حقوق

بین‌الملل از سوی یک دولت به دلیل تعارض آن قاعده با قواعد حقوق داخلی، موضع داخلی تحت تاثیر بین‌الملل قرار نمی‌گیرد اما نقض تعهد یک قاعده بین‌المللی از سوی یک دولت اتفاق افتاده لذا این دولت باید چه از طریق سیاسی و چه از طرق قضایی به اقدام در زمینه بین‌المللی بپردازد. در واقع نظریه معاصر بر تساوی نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل مبتنی است.

دیدگاه رویه بین‌المللی: در رویه بین‌المللی علی رغم شفافیت پذیرش، در مجموع، اولویت و تقدم حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی مورد پذیرش قرار گرفته است.

۱- **دیدگاه رویه قضائی بین‌المللی:** آرای قضایی بین‌المللی برتری حقوق بین‌الملل را بر حقوق داخلی مورد تاکید قرار داده است

۲- **دیدگاه معاهدات بین‌المللی**: بر طبق این دیدگاه، یک طرف معاهده نمی‌توان به مقررات حقوق داخلی خود استناد جسته و به این طریق عدم اجرای آن را توجیه کند

۳- **دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل:** کمسیون حقوق بین‌الملل طی اعلامیه‌ای که جنبه اعلامی دارد مطرح کرد که «هر کشوری در مناسبات خود با کشورهای دیگر موظف است به حقوق بین‌الملل به ویژه به این اصل که حقوق بین‌الملل برحاکمیت کشورها برتری دارد، پای‌بند باشد.»

۴- **رویه کشورها:** هرچند هر یک از کشورها تحت تاثیر یکی از نوع نظریه قرار گرفتند اما حقوق داخلی هیچ کشوری صراحتا نه نظریه دوگانگی حقوق و نه نظریه یگانگی حقوقی را پذیرفته است. نگرش حقوقی چند کشور در زیر مطرح می‌شود: ایالات متحده آمریکا: در نظام حقوقی کشور، علی‌رغم رای دیوان عالی، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی مورد شناسایی قرار گرفته است. فرانسه: دیوان عالی فرانسه نیز همگام با قانون اساسی این کشور معتقد به تقدم حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی است.

انگلستان: تنها کشوری است که ضمن شناسایی برتری حقوق بین‌الملل قراردادی بر حقوق داخلی، حقوق داخلی را در صورت تعارض بر حقوق بین‌الملل عرفی ارجح می‌داند.

آلمان: قوانین حقوق بین‌الملل بر قوانین عادی برتری داشته و برای تمام افراد کشور، ایجاد حق و تکلیف می‌کند. روسیه و ژاپن: هر دو کشور مستقیما اشاره‌ای به برتری هیچ کدام از نظام حقوقی نکرده‌اند. سوئیس: قوانین بین‌المللی بر قانون داخلی حاکم است.

آرژانتین: بر طبق نظر دیوان عالی آن کشور، قانون اساسی، معاهده و قانون فدرال دارای ارزش برابر هستند بنابراین تعارض این دو از طریق ترتیب اثر دادن به قاعده موخر حل می‌شود.

نیکاراگوئه: برتری مسلم حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی این کشور آشکار است. ایران: رویه تازه‌ای که در نظام قانونگذاری ایران معمول شده حاکی از پذیرش نظریه یگانگی حقوقی با برتری حقوق داخلی است.

- ارتباطات متقابل حقوق داخلی با حقوق بین‌المللی

حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از قوانین قابل اعمال نسبت به دولتها و روابط میان آنهاست و بر اساس آن که اجتماع بین‌المللی فاقد یک اقتدار مرکزی است قواعد حقوق بین‌الملل را تنها از راه حکومتهای دولتهای منفرد که اعضای این اجتماع محسوب می‌شوند به مورد اجراء گذاشت.

الف- نقش قواعد داخلی در حقوق بین‌الملل در تنظیم روابط بین‌الملل صرفا قوانین حقوق بین‌الملل نقش ندارد بلکه در برخی موارد قواعد حقوق داخلی نیز در تنظیم آن نقش دارند. در صورتی که برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی

مورد پذیرش قرار گیرد این جریان از اهمیت قوانین داخلی نمی‌کاهد زیر این مقررات بین‌المللی متعددی – مانند صلاحیت دولت ساحلی در منطقه دریایی، شرایط اکتساب تابعیت، تعیین مقام صلاحیتدار برای انعقاد معاهدات بین‌المللی و .... قابل استناد می‌باشند.

ب- نقش حقوق بین‌المللی در دادگاه‌های داخلی: برای بررسی نقش و جایگاه حقوق بین‌الملل درنظام حقوق داخلی کشورها بایستی حقوق داخلی کشورهای مختلف به دقت مورد بررسی قرار بگیرد در انگلستان در ارتباط با قابلیت تسری قواعد حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی، دو نظریه مطرح شده است: ۱- دکترین تبدیل ۲- دکترین تلفیق به موجب دکترین تبدیل، نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل در نظام کاملا متمایز می‌باشند.

بر اساس این دیدگاه شرط اعتبار قوانین بین‌المللی در محیط داخلی کشورها به آن است که با استفاده از دستگاه قانونی مناسب مانند تصویب توسط مجلس، به یک قانون داخلی تبدیل شده باشند. اما دکترین تلفیق بر این اساس قرار گرفته است که حقوق بین‌الملل به تنهایی و بدون نیاز به تصویب و تائید قانونی، جزئی از حقوق داخلی به شمار می‌آید. این نظریه توسط بلکستون در قرن ۱۸ تبیین شد. دکترین تلفیق در قرن نوزدهم در انگلستان به تدریج ارزش اولیه خود را از دست داد و نظریه تبدیل جایگزین آن شد این امر در باب موضع انگلستان نسبت به حقوق بین‌الملل عرفی مطرح است اما در باب روند حقوق این کشور در مقابل حقوق بین‌الملل قراردادی دکترین تبدیل از قابلیت اجرا برخوردار است. در مورد آمریکا باید گفت پذیرش دکترین تلفیق با عناصری از رهیافت تبدیل رویه فعلی این کشور در حوزه نظام حقوقی می‌باشد.

بخش ششم: سیر تحول حقوق بین‌الملل

به موازات تغییر و تحولات قابل توجه جامعه بین‌المللی از دوران باستان، حقوق بین‌الملل که حقوق حاکم بر این جامعه بین‌المللی است خود نیز دستخوش دگرگونیهای فراوانی شده است. در سده هفدهم، واژه حقوق بین‌الملل به شکل تخصصی درآمد و اصولی را مطرح کرد که فرض می‌شد در روابط میان دولتهای مستقل حاکم است، اما رشد و نموهای مبنایی حقوق بین‌الملل به طور سنتی در قرن شانزدهم شکل گرفت. در زیر عقاید و نقش چند تن از نظریه‌پردازان حقوقی مطرح می‌شود:

فرانسیسکو دو ویتوریا: وی تاکید کرده که ادعاهای استعماری برای تسلط جهانی بی‌اعتبار است. وی بر این امر تاکید کرد که چه چیزی یک جنگ را مبدل به جنگی منصفانه می‌کند. انجام تحقیقاتی در این حوزه وی را برای یافتن قواعد جنگ مجاب کرد. با انجام مطالعات وی در این حوزه، برای نخستین بار در ادبیات حقوق بین‌الملل، واژه‌های «جنگ تهاجمی و جنگ تدافعی» مطرح می‌شود و عنوان کرد که جنگ‌های تهاجمی (تجاوز کارانه) نباید بی‌درنگ محکوم شود زیرا ممکن است بر مبنای عادلانه‌ای پایه‌گذاری شده باشد.

فرانسیسکو سوآرز: وی معتقد بود قوانین حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی کاربردی میان دول مستقل به جای امری مشترک نسبت به تمام دولتهاست که این قواعد با اراده انسانها ایجاد می‌شود وی عنوان کرد کشورها علی‌رغم استقلال، هرگز به طور کامل از ارتباطات متقابل با یکدیگر آزاد نیستند و نوعی از وابستگی میان آنها وجود دارد لذا برای برقراری ارتباط با یکدیگر به یکسری مجموعه قوانین احتیاج دارند. وی در کتاب معروفش «رسالاتی در باب قوانین و خدا به عنوان قانونگذار» تفاوت حقوق بین‌الملل را از حقوق طبیعی مطرح کرد. با عقاید سوآزر است که شخص، نخستین بار با مفهوم نوین اجتماع یا جامعه دولتهای حاکمی روبه‌رو می‌شود که با مجموعه ای از قوانین قابل اعمال بر روابط متقابلشان به هم گره خورده‌اند.

هوگوگروسیوس: گروسیوس به عنوان پدر حقوق بین‌الملل معرفی شده است و دو اثر مهم از وی به جا مانده است به نامهای «حقوق جنگ و صلح» و «آزادی دریاها» از نظر وی حقوق، طبیعی ملل و حقوق عرفی یا ارادی از سوی گروسیوس،

زوج این امر را علت بلافصل ظهور سه مکتب جداگانه فلسفه حقوق در سده‌های هفدهم و هجدهم می‌داند: طبیعت‌گرایان، پوزیتوسیتها (اثبات‌گرایان) و گروسیوسی‌ها، طبیعت‌گرایان به رهبری ساموئل پوفندرف معتقد بودند که حقوق بین‌الملل، فقط بخشی از قانون طبیعت است و هر گونه حقوق موضوعه ملل ناشی از عرف یا معاهدات را انکار کردند. پوزیتیوسیتها (اثبات گرایان) برخلاف پیروان پوفندرف اعلام کردند که مبنای اصلی حقوق موضوعه در عرف و معاهدات و در نتیجه در رضایت دولتها قرار دارد و مطرح کردند که این حقوق بسیار مهم‌تر از هر گونه حقوق طبیعی ملل می‌باشد.

گروسیوسیها در این اختلاف، موضع متعادلی را در پیش گرفتند و گفتند که خود گروسیوس میان حقوق طبیعی و ارادی تمایزهای منطقی قائل شده است. اما تحلیل گروسیوس نخستین تحلیل از موقعیت قانونی،حقوق، امتیازات و تکالیف دولت بیطرف بود. وی نخستین نویسنده‌ای بود که مفهوم آزادی اقیانوسهای جهان را اعلام داشت. همچنین وی جنگ را اقدامی تنبیهی تلقی می‌کرد که علیه جرایم دولتها هدفگیری می‌شود. حق مجازات کردن طبق گفته وی از قانون طبیعت ناشی می‌شود، در واقع وی این مساله را که شخص بتواند با طرح دفاعیه انجام «فرمانهای فرادست» از کیفر عادلانه جرایم جنگی بگریزد رد کرده است.

ساموئل پوفندرف: پوفندرف نخستین استاد جهانی حقوق بین‌الملل بود وی معتقد بود که قوانین طبیعی تنها قواعدی هستند که می‌تواند به جای رضایت دولتها، اصول الزام‌آور حقوقی را ایجاد کند از این رو این مجموعه قواعد باید به عنوان تنها منبع حقوق بین‌الملل تلقی شود. از جمله کتاب‌های مهم وی عبارت است از: « دو کتاب از عناصر حقوق جهانی» «هشت کتاب در حقوق طبیعت و ملتها» و کتاب «عناصر»

فان بینکرشوک: از جمله تاثیرات وی بر حقوق بین‌الملل مساعدتهای وی در قواعد بیطرفی بود با حذف اولویت و امتیازاتی برای متخاصم در باب حقوق غنایم جنگی و مساله معاهدات، نظریه وی در باب گستره ملی آبهای سرزمین کنار یک ساحل ملی به اندازه برد توپ در حقوق بین‌الملل پذیرش جهانی یافت. از جمله مهم‌ترین آثار وی که نماینده برجسته مکتب پوزیتیویسم بود «حکمرانی دریاها» صلاحیت سفرا و « مسائل حقوق عمومی» بود.

سی فن‌ولف: مفهوم یک دولت جهانی را که اقتدار بسیاری بر واحدهای عضو تشکیل دهنده‌اش داشته باشد، ترویج و تبلیغ کرد. این عقیده بعدا از سوی واتل رد شد. آخرین اثر وی به نام «حقوق بین‌الملل» درباره قانون طبیعی منتشر شد.

امریش دو واتل: وی تاثیری بسیار مستقیم و پایدار در حوزه حقوق بین‌الملل داشت و نماینده برجسته مکتب گروسیوسی به شمار می‌آمد. اثر برجسته وی «حقوق بین‌الملل یا اصول حقوق طبیعی کاربردی نسبت به رفتار و امور ملل و حکومتها» بود

به طور کلی حرکت رو به افزایش دولتها پس از کنگره وین، برای اطاعت از قوانین حقوق بین‌الملل و انعقاد معاهدات قانونگذار منعقد و ارتقا جایگاه مکتب پوزتیویسم که همزمان با افول دکترینهای حقوق طبیعی صورت گرفت در پیشرفت حقوق بین‌الملل از دوره نویسندگان کلاسیک موثر بوده است. در شرایط حال حاضر رهیافت تعدیل شده پوزیتیویسم اعتبار دارد که این رهیافت می‌توان ضعف رویکردهای مکتبی مانند آنچه پوزیتیویستهایی چون هانس کلسن بنیان نهاده‌اند، نشان دهد کلسن کوشید تا جهان واقعیت و جهان هنجارهای حقوقی را کاملا از یکدیگر جدا سازد. اما دیدگاه پوزیتیوسیتی تعدیل شده بر قواعد حقوقی مورد قبول بر اداره و اجرای واقعی روابط بین الملل تاکید می‌کند و منابع اساسی حقوق بین‌الملل را عرفها و معاهدات می‌داند.

تست‌های آخر فصل

۱- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد تعریف حقوق بین‌الملل صحیح است؟

۱) حقوق بین‌الملل، قواعد حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی است

۲) حقوق بین‌الملل ، مجموعه قواعدی است که بر روابط میان دولتها و سازمانهای بین دولتی قابل اجراست.

۳) حقوق بین‌الملل مجموعه اصول، عرفها و قواعدی است که مورد شناسایی دولتهای حاکم و اشخاص بین‌المللی قرار گرفته و اعضای جامعه بین‌الملل ملزم به رعایت آن قواعد هستند.

۴) حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد حاکم بر روابط دولتهاست.

۲- کدام یک از عوامل زیر را می‌توان از جمله عوامل غیر حقوقی که به حفظ هنجارهای حقوقی در عرصه بین‌الملل یاری می‌رساند دانست؟

۱) ضرورت ۲) عادت ۳) نفع شخصی روشن ۴) افکار جهانی

۳- مهم‌ترین عامل پیروی و رعایت قوانین بین‌المللی از طرف دولتها کدام است؟

۱) نفع شخصی روشن ۲) ضرورت ۳) افکار جهانی ۴) زیانهای مصلحت آمیز

۴- قواعد حقوق بین‌المللی را از چه راهی می‌توان به مورد اجراء گذاشت؟

۱) حکومتهای دولتهای منفرد ۲) سازمان‌های بین‌المللی

۳) کشورهای قدرتمند ۴) ضمانت اجرای قانون

۵- اپنهایم، حقوقدان انگلیسی، حقوق بین‌الملل را به چند دسته تقسیم می‌کند؟

۱) حقوق بین‌المللی جهانی

۲) حقوق بین‌الملل جهانی در عام

۳) حقوق بین‌الملل عام و خاص

۴) حقوق بین‌المللی جهانی و حقوق بین‌الملل عام و حقوق بین‌الملل خاص

۶- از نظر تاریخی، قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل برای اولین بار از سوی چه کسی شرح داده شد؟

۱)کلسن ۲) گروسیوس ۳) اپنهایم ۴) ژرژسل

۷- کدام یک از گزینه‌های زیر به عنوان مهم‌ترین ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل مطرح است؟

۱) افکار عمومی ۲) منافع مشترک و متقابل ۳) تدابیر انضباطی ۴) منافع متقابل کشورها

۸- طبیعت‌گرایان به رهبری چه کسی هرگونه حقوق موضوعه ملل ناشی از عرف یا معاهدات را انکار کردند و از این امر دفاع کردند که حقوق ب.م فقط بخشی از قانون طبیعت است؟

۱) گروسیوس ۲) بینکر شوک ۳) واتل ۴) پوفندرف

۹- نخستین استاد جهانی حقوق بین‌الملل بود؟

۱) اپنهایم ۲) پوفندرف ۳) کلسن ۴) گروسیوس

۱۰- واتل طرفدار کدام یک از مکاتب حقوق بود؟

۱) گروسیوس ۲) واقع‌گرایان ۳) طبیعت‌گرایان ۴) پوزیتیویست‌ها

۱۱- نویسنده کتاب « دریای آزاد» چه کسی بود؟

۱) واتل ۲) پوفندرف ۳) سوآرز ۴) گروسیوس

۱۲- کدام یک از نویسندگان زیر بر این باور بود که « جنگهای تهاجمی نباید بی‌درنگ محکوم شود زیرا ممکن است بر مبانب عادلانه‌ای پایه‌گذاری شده باشد؟

۱) سی‌فن ولف ۲) ویتوریا ۳) بینکر شوک ۴) سوآرز

۱۳- کدام یک از موراد زیر در زمره نظریات سوارز می‌گنجد؟

۱) حقوق، چه انسانی و چه قراردادی مجموعه‌ای از قواعد را مطرح می‌سازد که افراد انسانی را تعمدا می‌آفریند تا در خدمت نیازهای انسانی قرار گیرد.

۲) همه مردم براساس حقوق طبیعت آزادندو هیچ کس نمی‌تواند که در باب روحانی ناباوران است

۳) حقوق بین‌الملل درنوع، متفاوت از حقوق طبیعی است که در واقع مجموعه‌ای از قوانین قابل اعمال میان دولتهای مستقل به جای چیزی مشترک نسبت به تمام دولتهاست.

۴) قانون طبیعت نسبت به همه انسانها الزام آور است که در واقع مجموعه‌ای از قوانین به جای رضایت دولتها اصول الزام آور حقوقی را ایجاد می‌کند

۱۴- کدام اثر متعلق به پوفندرف می‌باشد؟

۱) هشت کتاب در حقوق طبیعت و ملتها ۲) حکمرانی دریاها

۳) حقوق جنگ و صلح ۴) صلاحیت سفرا

۱۵- اثر« حقوق بین‌الملل یا اصول حقوق طبیعی کاربردی نسبت به رفتار و امور ملل و حکومتها » متعلق به کدام نویسنده می‌باشد؟

۱) پوفندرف ۲) گروسیوس ۳) سی‌فن ولف ۴) واتل

۱۶- نظریه وی در باب گستره ملی آبهای سرزمین کنار یک ساحل ملی به اندازه بردتوپ، در حقوق بین‌الملل پذیرش جهانی یافت:

۱) ویتوریا ۲) بینکرشوک ۳) سوارز ۴) پوفندرف

۱۷- کدام یک از نویسندگان زیر بر این مساله تاکید کرد که «ادعاهای استعماری برای تسلط جهانی بی‌اعتبار است؟

۱) گروسیوس ۲) ویتوریا ۳) سی‌فن ولف ۴) واتل

۱۸- با انجام مطالعات ..... در حوزه حقوق بین‌الملل برای نخستین بار در ادبیات عرب، واژه‌های « جنگ تهاجمی و جنگ تدافعی» مطرح می‌شود؟

۱) ویتوریا ۲) سوارز ۳) پوفندرف ۴) گروسیوس

۱۹- تحلیل وی، نخستین تحلیل از موقعیت قانونی، حقوقی، امتیازات و تکالیف دولت بیطرف بود؟

۱) پوفندرف ۲) کلسن ۳) سوارز ۴) گروسیوس

۲۰- کدام نویسنده در نوشته‌ها عقاید خود،این مسأله را که شخص بتواند با طرح دفاعیه انجام «فرمان‌های فرادست» از کیفر عادلانه جرائم جنگی بگریزد را رد کرده است؟

۱) پوفندرف ۲) بینکر شوک ۳) گروسیوس ۴) سوآزر

پاسخ تست‌های آخر فصل

۱- گزینه«۳»

۲- گزینه«۳»

۳- گزینه«۴»

۴- گزینه«۱»

۵- گزینه«۴»

۶- گزینه«۲»

۷- گزینه«۴»

۸- گزینه«۴»

۹- گزینه«۲»

۱۰- گزینه«۱»

۱۱- گزینه«۴»

۱۲- گزینه«۲»

۱۳- گزینه«۳»

۱۴- گزینه«۱»

۱۵- گزینه«۴»

۱۶- گزینه«۲»

۱۷- گزینه«۲»

۱۸- گزینه«۱»

۱۹- گزینه«۴»

۲۰- گزینه«۳»